

قضیه بینخ پیدا کرد...

قضیه پرو بازو!



پوریا عالمی

● سالی که نکوست همیشه هست از بهارش پیدا / امسال پس حتما ما داریم شرشار از کاندیدا / از اکبر و اصغر بگیر تا هوشنگ و معصوم / از دکتر و مهندس بگیر تا لوله‌کش و متخصص دفع سموم / از ورزشکار بگیر که عکس داره با شورت ورزشی / تا خواننده که تولید کرده در دستگاه‌های مختلف، چندتا کار ارزشی / تا عضو سابق شورا که داشته چندتا اظهارنظر لرزشی / طوری که به کسی بر نخورد؛ دقیقا انگار لب مرزشی / اما شاید باشد برای شما هم سؤال / که شورای شهر چیست که دارد این طور آدم را می آورد سر حال / شورای شهر جایی است که با هم می‌نشینند / دست به دست هم می‌دهند و به شهر ... دقت می‌کنند! / یک‌سری املاک هست این‌ور و آن‌ور تهران / که همین‌طوری افتاده یک گوشه و شده است ویران / کی‌ها ازش خبر دارند؟ ما خبر نداریم / کی‌ها بُرش می‌دارند؟ وقتی ماها بُرش نمی‌داریم / معلوم است که می‌رسد به آدم‌های خبردار / از فامیل شورای شهر بگیر تا دوست و آشناهای شهردار / البته منظور ما نیست به کس خاصی / خدا به سر شاهده ما نداریم دلایل جناحی یا سیاسی / ما می‌گوییم اگر قرار است باز «قالی» ما را شما «بیافی» / نکند ایجاد توی تهران باز هم شکافی / خلاصه باز هم هست موسم انتخابات / موسمی که می‌ریزند سر انواع و اقسام شهروند نقل و نبات / دوباره ماها می‌شویم عزیز / مسئولان هم از پشت میز می‌آیند پیش ما؛ دقیقا زیر پایه‌های میز / قضیه تا بیخ پیدا نکرده ما عرض بکنیم بدون فشار / که هیچ کربهای برای رضایت والدینش موش نکرده شکار / قضیه این است که شورای شهر هست مثل یک دیزی / که گوشت‌های دیزی‌ش هست خیلی زیرمیزی / قضیه این است که در دیزی باز است و هوای ماها کجاست؟ / دقت کنیم رای ندهیم به هر کی صرفا شورت ورزشی داشت / تهران دارد چندتا استادیوم و سالن کنسرت / هنرمندان و ورزشکاران را مستقیم به همان‌جا بفرست / راستش قضیه این است که رای‌دادن مثل سوراخ است / از یک سوراخ دوبار کزیده‌شدن خیلی خنده‌دار و پردرد و آخ است / پس بیابید موقع رای‌دادن بکنیم سعی / یادمان باشد که انتخابات، ازدواج نیست که به خوش‌تیپ‌ها و خوش‌صداها و بُر و بازودارها بدهیم رای.

تجربه دیگران

حماقت را به زندگی خود اضافه کنید

● روز اول آوریل یا ۱۳ فروردین روزی بود که مجموعه‌ای از دروغ‌های خاطره‌انگیز در جهان مطرح می‌شود؛ اتفاقی که در ایران هم رخ داد. با یک تفاوت بزرگ متأسفانه در کشور ما هرروزه تعداد زیادی دروغ و اخبار نادرست مطرح می‌شود و این چندان لذت‌بخش نیست. امسال نیز به مانند سال‌های گذشته در شبکه‌های مجازی اخباری مبنی‌بر فوت، تعلیق و عزل و ... منتشر شده بود. ستاره‌ها به خلایق‌های خود در این ماجرا شرکت کردند. در این زمینه مطلبی در هافینگتون‌پست درباره تأثیر این شایعه خنده‌دار نوشته شده بود. دروغ اول آوریل، برای بسیاری به‌خصوص کسانی که درگیر اینترنت و اخبار هستند زجرآور است، اما برای بسیاری لذت‌بخش است. آن‌هم به یک دلیل ساده، چراکه طنز و هر مطلب خنده‌آوری به‌سادگی می‌تواند خوب باشد و روحیه افراد را بهبود بخشد، قدرت پردازش جسمی و روانی را افزایش دهد و قدرت حافظه را بهتر، استرس را کمتر و حتی سبب کاهش خطر بیماری‌های قلبی شود؛ شایعه‌ای که می‌تواند سبب افزایش رفا جسمی افراد شود. در نهایت نیز نویسنده این مطلب کوتاه پیشنهاد می‌دهد حماقت [خنده خوب، طنز] را به زندگی خود وارد کنید، شاید کمی گذران عمر آسان‌تر شود.

خبر آخر

آرش یغمائیان برنده جایزه «هیپا»

● شرق، جایزه بین‌المللی عکاسی حمدان بن محمد بن رشید آل مکتوم (HIPA) برندگان جایزه ویژه ششمین دوره خود را با موضوع «چالش» (The Challenge) اعلام کرد. بنا بر این گزارش، جایزه «تقدیر از عکاسی» به البوت اریوت، از نامداران عکاسی مستند، داده شد، درحالی‌که بیت الزبیر، جایزه «پژوهش و گزارش عکاسی» را دریافت کرد. این جواز در ششمین سالگرد جایزه HIPA روز چهارشنبه، ۱۵ مارس ۲۰۱۷ در اپرای دوبی به این افراد تقدیم شد. همچنین آرش یغمائیان، عکاس ایرانی مقیم آمریکا، موفق به دریافت جایزه بزرگ این رقابت شد. مراسم اهدای جوایز HIPA چهارشنبه، ۱۵ مارس ۲۰۱۷ در اپرای دوبی ساعت هفت شب برگزار شد. در کنار اهدای جوایز ویژه، برندگان ششمین فصل از مسابقه HIPA نیز اعلام خواهند شد.

شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۶ • ۶ رجب ۱۴۳۸ • ۴ آوریل ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۳۱ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۷ • اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

روزنامه‌فرو

کارتون خواب



علی رومانی
aliromani84@gmail.com

سفرهای نوروزی و کاهش ۸ درصدی تصادفات فوتی



گزارش فردا

آبی‌پوشان در پل طبیعت

بچه‌های آتیسم با خانواده‌هایشان در لباس‌های آبی‌رنگ اطراف پل طبیعت جمع شده بودند تا علاوه بر گرامیداشت روز جهانی اتیسم، مسائل و مشکلات این بیماری را با یکدیگر در میان بگذارند و از تجربیات همدیگر استفاده کنند. جالب اینجاست که در چند سال اخیر، این بیماری که پیش‌تر کاملا ناشناس بود، به یکی از شناخته‌شده‌ترین بیماری‌ها در کودکان بدل شده و خانواده خیلی خوب می‌دانند در مواجهه با یک کودک اتیسم، باید چه کنند. یکی از خانم‌ها که به همراه دخترپچه‌اش در این گردهمایی شرکت کرده، می‌گوید: «در مشاوره ازدواج، اولین بار واژه اتیسم به گوشم خورد، اما از آنجایی‌که فکر می‌کردم این بیماری ممکن است ارثی باشد، نگرانی‌ای از بابت آن نداشتم تا اینکه دخترم به دنیا آمد و نشانه‌های عجیبی داشت. مثلا برخلاف بچه‌های دیگر، موقع خداحافظی دست تکان نمی‌داد، یک حالت افسردگی و ترس شدید داشت که خود را به شکل کریه عصبی با فشردن دست به گونه‌هایش نشان می‌داد. ما خیلی زود مهسا را نزد دکتر بردیم و مشاور مرکز کودکان تشخیص داد متأسفانه مبتلا به اتیسم است». مادر مهسا نگران می‌شود که این اختلال ممکن است آینده و سرنوشت فرزندش را تحت‌تأثیر قرار دهد: «ولی بعد از دو جلسه که نزد مشاور و دکتر رفیقتم، متوجه شدیم اگر نشانه‌های اتیسم را در کودکی ببینیم و روند درمانی را آغاز کنیم، دخترم این مسئله را به خوبی پشت سر می‌گذارد». یکی دیگر از مادران حاضر در پل طبیعت زمانی به اتیسم دانیال، فرزندش، مشکوک شده که دریافته او در حرف‌زدن بسیار تپیل است: «دیرش می‌گفت حرف‌زدن دانیال به خاطر لوس‌بودنش است؛ اما



بهروز غریب‌پور

به خاطر دارم که چند سال پیش و هم‌زمان با طرح انتخاب شهردار مدرسه، دانش‌آموزان کاندیدای این مسئولیت با وعده‌های عجیب‌وغریبی وارد میدان شده بودند. یکی از آنها گفته بود در صورت رای‌آوردن درس ریاضی را حذف می‌کند، دیگری وعده نواختن ساز در مدرسه را داده بود و آن دیگری گفته بود که در صورت رای‌آوردن هر روز صبح با خودش نان بربری برای صبحانه بچه‌ها می‌آورد! مخالفت من با این طرح، به خاطر آن بود که شواهد و قرائن نشان می‌داد بسیاری از دانش‌آموزان در مرحله عاطفی و خام «انتخاب» هستند. به نظر می‌رسد این موضوع فقط مختص به آن رده سنی و در انتخاب شهردار مدارس نباشد، بلکه نگاهی به روش‌های اداره شورایی و سپردن امور به طیف گسترده‌ای از نظرات و استفاده از براینده آنها برای بهبود شرایط اجتماعی جوامع مختلف در طول تاریخ با فراز و فرودهای فراوانی همراه بوده است. بنابراین

یاد

به مناسبت درگذشت دکتر صفرعلی فرسادمنش یک استاد «واقعی» دانشگاه درگذشت



آبتین گل‌کار

● در آذرماه ۱۳۹۲، پس از فوت خانم دکتر منور جزنی، یادداشت کوتاهی در روزنامه «شرق» با این عنوان نوشتم: یک استاد «واقعی» دانشگاه درگذشت. امروز در کمال تأسف ناچارم این عنوان را تکرار کنم: دکتر صفرعلی فرسادمنش، دیگر استاد پیش‌کسوت که سال‌ها مدیرگروه زبان روسی دانشگاه تهران بود، در سیزدهم فروردین ۱۳۹۶ و به ۷۸ سالگی از دنیا رفت. این دو نفر، دو ستون اصلی آموزش اکادمیک زبان روسی در ایران بودند و امروز جامعه روسی‌دانان کشور به‌راستی هم از سمت پدر و هم از سمت مادر یتیم شده است. چندین و چند نسل از مترجمان و استادان زبان روسی همه زیر دست این دو استاد نمونه تربیت شده‌اند و تأثیر یک استاد واقعی را که این روزها حکم کیمیا دارد، در جودشان حس کرده‌اند.



دکتر فرسادمنش از نمایندگان نسلی از دانشگاهیان بود که هنوز به گرداب نگارش انبوه مقاله‌های علمی- پژوهشی نیفتاده بودند. مسابقه تولید علم نمی‌دادند و ترفیع و ارتقای دانشگاهی برایشان مهم‌ترین هدف زندگی نبود. او در بیش از سه دهه تدریس در دانشگاه، در درجه استادیاری روسی تألیف ولی هرکس که سر کلاس‌هایش حضور پیدا کرده است، بی‌گمان او را در زمره برترین استادانش می‌داند؛ چه از لحاظ توانایی‌های علمی و مدرسی و چه از نظر ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی. نمونه‌کار و وجدان پژوهشی او را می‌توان در فرهنگی به چشم دید که در زمینه معادل فارسی ضرب‌المثل‌های روسی تألیف کرد. او برای آنکه کتاب از کیفیتی شایسته برخوردار باشد، به دانشگاه تهران تکلیف کرد یک استاد متخصص را از روسیه به ایران دعوت کنند. او چند ماه در تهران با این استاد روس، خانم لودمیلا ژبژوا، همکاری مستمر داشت و فقط پس از آن بود که به انتشار «فرهنگ امثال و حکم روسی- فارسی» رضایت داد. امروز چند پژوهشگر دانشگاهی می‌شناسیم که برای غنای آثارشان چنین کنند؟ دریغ که قدر چنین استادان وظیفه‌شناس و دلسوزی دانسته نمی‌شود. افسوس که دانشگاه تهران با بی‌درایتی چنین استادی را از دست داد و او را بسیار دل‌چرکین از خانه دوشم راند؛ هرچند که او پس از بازنشستگی با همان پشتکار گروه آموزشی تازه‌ای را در دانشگاه آزاد اسلامی به راه انداخت که به برکت وجود او در زمره بهترین گروه‌های زبان روسی در میان دانشگاه‌های ایران بود. روحش شاد که تأثیر مثبت و سازنده‌اش به این زودی از وجود شاکردانش محو نخواهد شد.

سلام به فردا

سه اشتباه جدی

ما در حقیقت داریم در زمینه انتخاب، تمرین می‌کنیم و این عرصه در هر انتخاباتی به صورت فرصت پیش‌روی ما قرار می‌گیرد. امروز نیز ما در شرایطی قرار داریم که در مواجهه با انتخابات شورای شهر و روستا دچار سه اشتباه جدی هستیم. ما در انتخاب، در کاندیداتوری و در روند کار، نیاز به آموزش بیشتر و فاصله‌گرفتن از تصمیمات عاطفی داریم. در انتخاب، ما به دنبال چهره‌ها می‌گردیم. درحالی‌که یک وکیل کارآمد، یک کارشناس امور اجتماعی متبحر و یک شهرساز چیره‌دست هیچ‌گاه به اندازه یک فوتبالیست، یک بازیگر، یک خواننده و... شهرت ندارد. ما برای انتخاب به سراغ گروه مشهور می‌رویم و از کسانی که بر مؤلفه‌های اداره یک شهر مسلط هستند، چشم می‌پوشیم.

از سوی دیگر، کسانی که کاندیدای شورای شهر می‌شوند نیز نوعا در خود این بضاعت را نمی‌بینند که برای اداره امور متنوع شهر، وارد این نهاد مدنی شوند، آنها برای کسب قدرت یا مقاصد دیگری یا در عرصه انتخابات گذاشته‌اند. نگاهی به فهرست‌های مطرح‌شده در این انتخابات نشان می‌دهد بخش عمده کاندیداها، بدون هیچ سابقه تمرینی در اداره شهر، کاندیداتوری

تکته

کتمان نکردن «دیده‌ها» واجب است نه کتمان نکردن «نادیده‌ها»!



بهمن کشاورز

گفته‌ها و نوشته‌های ما یا حاوی مطلبی است به‌نفع خدومان و به ضرر دیگری که این «ادعا» است. یا به ضرر خدومان و به‌نفع دیگری است که این «اقرار» است. یا بیان دیده‌ها و شنیده‌هایمان است که می‌تواند به نفع شخص ثالث و به ضرر شخص ثالث دیگری باشد که این «شهادت» یا «گواهی» است. در برخورد‌های انسانی در اجتماعات متمدن، وقتی سخن از عقود و تعهدات و حقوق ناشی از آنها می‌شود، با «ادعاهای» بسیار مواجه هستیم که انسان‌ها در مقابل یکدیگر مطرح می‌کنند. در قبال این‌ ادعاها، قطعا با اقراهایی از نظر تعداد مساوی با آنها، روبه‌رو نیستیم؛ یعنی وقتی حسن علیه حسین ادعایی مطرح می‌کند، حسین بلافاصله اعلام نمی‌کند که حق با حسن است، بلکه به طور معمول حسین ادعای حسن را رد و انکار و حتی ادعا یا ادعاهای متقابلی در قبال آن مطرح می‌کند. در یک جامعه منظم و قانونمند روش با روش‌هایی برای روشن‌کردن اینکه کدام طرف راست می‌گوید، وجود دارد. دادگاه‌ها این روش‌ها را اعمال می‌کنند و – بنابر اصل- سعی دارند حقیقت را به دست بیاورند و اعلام کنند.اینجاست که «شهادت و گواهی» مطرح و اهمیت آن آشکار می‌شود.خواندن از یک سو کتمان و پوشیده نگه‌داشتن شهادت را منع و نهی فرموده و از دیگر سو- با توجه به ضعف‌ها و زبونی‌های بشر- تنظیم سند و نوشته را در مورد تعهدات و عقود و دیون و مطالبات بایسته دانسته است. تا آنجا که پیامبر اکرم(ص) درخصوص کسی که قرضی می‌دهد و سدی نمی‌گیرد و بعد با اشکال مواجه می‌شود، بیان سرزنش آمیزی دارند. این تأکید برمکتوب‌کردن معاملات و تعهدات از آنجا ناشی شده که بزرگان دین ما با طابع بشری آشنا بوده و می‌دانسته‌اند که بشر خودخواه و نفع‌طلب، از یک‌سو بعید است به ضرر خود اقراری بکند (حداقل در اکثر موارد چنین چیزی رخ نمی‌دهد) و از دیگر سو وادارکردن او به شهادت‌دادن درخصوص «نادیده‌ها» و «ناشنیده‌ها» کار دشواری نیست و از آن آسان‌تر این است که به نوعی قانعش کنیم «دیده‌ها و شنیده‌ها»یش را، برخلاف واقع، به نفع یک طرف و ضرر دیگری، دست‌کاری کند و تغییر دهد.با درک این واقعیت تدوین‌کنندگان اولیه قانون مدنی که از علمای برجسته فقه و حقوق و بر ضوابط شرعی و قواعد عرفی مسلط بودند، در باب شهادت مقرراتی را پیش‌بینی کرده بودند که احتمال و امکان شهادت دروغ را به حداقل برساند. از آن جمله بود عدم قابلیت اثبات دعوی با موضوع و خواسته بیش از «پنجاه تومان» با شهادت و عدم پذیرش شهادت در قبال سند رسمی.

پس از پیروزی انقلاب و در نظام جدید قضائی، این احتیاط‌ها کم‌رنگ و بعضا منتفی شد. این تحول عمدتا از شورای محترم نگهبان سرچشمه گرفت که به استاد اصل چهارم قانون اساسی – حتی در مواردی، خارج از فرایند قانون‌گذاری- نظریه «خلاف شرع‌بودن» ضوابط مُشعر بر محدودیت پذیرش شهادت و گواهی صادر فرمودند. نتیجه اینکه امروز می‌توان دعوی

اخبار خوب

● حقل و نخل با دلداری

پدر و مادر ریچارد شش‌ساله که بر اثر سرطان درگذشته بود، پیشنهادی متفاوت و ضروری به خانواده‌های درگیر سرطان فرزندان شان ارائه کرده‌اند؛

آنان با تأسیس یک مؤسسه خیریه از سال ۲۰۰۵



تاکون تعداد زیادی از کودکان بیمار و خانواده‌های آنان را بدون هیچ کزنششی به بیمارستان برده‌اند و شرایط درمان یا بهبودی آنها را فراهم کرده‌اند. مسیری که معمولا با اضطراب همراه است و البته برای مهاجران و کسانی که این توانایی را ندارند کمکی بسیار ضروری است.



● پشیمانی ۳۵ ساله

کتابی که ۳۵ سال قبل از کتابخانه‌ای دزدیده شده بود، با جریمه ۲۰۰ دلاری و یک نامه عذرخواهی برگردانده شد. دزد این کتاب نتوانسته بود رفتار خود را تحمل کند و سرانجام آن را به کتابخانه شهر مونتانا برگردانده بود.